



دومین کنفرانس ملی روانشناسی و علوم تربیتی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد شادگان - اسفند ۱۳۹۴

Second National Conference on Psychology and Educational Sciences



رابطه تفکر خلاق دانش آموزان با سطح تحصیلات و درآمد خانواده

سارا سالمی، محمد حسین باقیانی

دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد یزد

S_anahidsanaat@yahoo.com

استاد دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، دانشکده بهداشت

Baghianimoghadam@yahoo.com

چکیده:

مقدمه: هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین تفکر خلاق با سطح تحصیلات و درآمد خانواده در دانش آموزان دختر پایه سوم دبیرستان شهر یزد می باشد.

روش: در این پژوهش ۶۰ نفر از دانش آموزان دختر پایه سوم دبیرستان شهرستان یزد مورد ارزیابی قرار گرفتند. داده‌های به دست آمده از طریق پرسشنامه با استفاده از نرم افزار تحلیلی - کاربردی SPSS ورژن ۲۰ مورد پردازش و تحلیل قرار گرفت. در این پژوهش نیز آماره های توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین و...) و آماره های تحلیلی از جمله آزمون های همبستگی، آزمون t با نمونه های مستقل، تحلیل کواریانس و سایر آماره های SPSS (بر حسب فرضیات مورد بررسی) استفاده شد.

یافته ها: یافته ها نشان داد که بین سطح درآمد و سطح تحصیلات خانواده با تفکر خلاق دانش آموزان رابطه معناداری وجود ندارد.

نتیجه گیری: در تبیین این یافته می توان مطرح نمود که، خلاقیت و تفکر خلاق بیش از هر چیز به ویژگی های شخصیتی، مهارت های فردی و شرایط محیطی بستگی دارد، و نه صرفا به درآمد و رفاه اقتصادی. شرایط محیطی خانواده ای که پرورش دهنده خلاقیت ها و استعداد ها و مهارت های فرزند باشد، فارغ از سطح درآمد خانواده می تواند، بستر توسعه تفکر خلاق محسوب می گردد. محیط خانواده، و مولفه هایی چون، احترام متقابل، اعتماد بنفس و عزت نفس، روابط مبتنی بر گفتگو، توجه به ایده ها و تفکرات فرزند، ایجاد زمینه پرورش مهارت ها و استعدادهای فرزندان و... بهترین محیط و بستر برای توسعه تفکر خلاق فرزندان است.

کلمات کلیدی: تفکر خلاق، سطح درآمد، سطح تحصیلات



مقدمه:

بدون شک خانواده مهمترین نقش را در کنترل و هدایت تخیل و ظهور خلاقیت دارد. خانواده ها باید شرایط لازم جهت فعالیتهای متنوع برای کودکان را فراهم نموده و فرصتهای لازم را برای سوال کردن، کنجکاوی و کشف محیط به کودکان بدهند. تنبیه و تهدیدهای مکرر، آفت خلاقیتهاى ذهن است. زمینه رشد خلاقیت در خانه زمانى فراهم می شود که به کودکان آزادى زیادى بدهید و به آنها احترام بگذارید. از نظر عاطفی در حد اعتدال به آنها نزدیک شوید و بر روی ارزشهای اخلاقی و نه قوانین خاص تاکید نمایید. تشویق و تایید رفتار کودک و فراهم آوردن زمینه های مساعد و تدارک لوازم بازیهای دلخواه او. قدرت تخیل و خلاقیت کودکان را تقویت کنید نباید هیچگاه خیالپردازی کودکان را سرزنش کرد. زیرا خلاقیت او را محدود می کنیم. می توان گفت مهمترین عامل در بروز خلاقیت انگیزه است. و این انطباق انگیزه و استعداد تماماً در خلاقیت کارساز است. محیط اجتماعی کودکان و تایید بر روی انگیزه خلاق بسیار مفیدتر از تاکید روی استعداد می باشد. بدون شک تمام اینها در خانواده ای با آرامش که ارتباط صمیمی بین اعضای آن برقرار است محقق می شود و بروز می کند. بیدی و رنجبرزاده (۱۳۹۱) مطالعه ای با عنوان «تاثیر آموزش مهارتهای زندگی بر افزایش خلاقیت دانش آموزان» انجام داده اند. روش تحقیق، نیمه آزمایشی و از نوع پیش آزمون پس آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری شامل کلیه دانش آموزان پسر پایه پنجم دبستان شهرستان بجنورد بود که در دو مرحله بطور تصادفی، نمونه ای به حجم ۱۰۰ نفر انتخاب شد که یک کلاس بعنوان گروه آزمایش (۵۰ نفر؛ میانگین سن = ۱۱/۲) و کلاس دیگر بعنوان گواه (۵۰ نفر؛ میانگین سن = ۱۰/۹۵) در نظر گرفته شدند. برای گردآوری داده ها، ابزار مورد استفاده شامل: آزمون خلاقیت تورنس فرم ب با پایایی (۰/۹۰) بود. آموزش مهارتهای زندگی در ۱۲ جلسه ۵۰ دقیقه ای اجرا شد. در تحلیل داده ها، از روش تحلیل کوواریانس استفاده شد. نتایج نشان داد تاثیر آموزش مهارت های زندگی (حل مسأله، تصمیم گیری) بر افزایش خلاقیت دانش آموزان مثبت و معنادار بوده است. شعبانی (۱۳۶۴) در تحقیقی پیرامون «دانش آموزان ممتاز شهر اصفهان» در نظرخواهی از ۵۸ دانش آموز ممتاز دبیرستانهای استان اصفهان که ۱۲ سوال مطرح شده کرده که اولین آنها به تحقیق حاضر ارتباط دارد چنین است. بین میزان تحصیلات والدین با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه مستقیمی وجود دارد. نتیجه تحقیق نشان می دهد که از ۵۸ دانش آموز ممتاز ۲۴٪ پدران فوق لیسانس و بالاتر و ۳۳٪ لیسانس و ۲۶٪ کمتر از دیپلم و ۹٪ بی سواد بودند و میزان تحصیلات مادران نیز به نسبت ۵٪ لیسانس و بالاتر و ۲۱٪ لیسانس و ۲۶٪ دیپلم و ۴۸٪ کمتر از دیپلم و ۱۲٪ بیسواد بودند. نتیجه اینکه اغلب والدین دانش آموزان ممتاز دارای تحصیلات بالاتر از دیپلم بودند. شعبانی اصفهانی (۱۳۷۰) در تحقیقی با عنوان «رابطه کم سوادى و بی سوادى والدین» به این نتیجه رسیده است که نسبت دانش آموزان مردود شده در بین دانش آموزانی که مادریا پدر بی سواد دارند بسیار بالا بوده و این امرزبانهای اقتصادی و مالی فراوانی برای خانواده و جامعه بار می آرد و باید مسئولین درصدد رفع این نقیصه باشند. محبی (۱۳۷۷) در تحقیقی دیگر پیرامون «سواد والدین و عمل کرد تحصیلی دانش آموزان کلاس پنجم ابتدایی منطقه ی چهار کرج» به این نتیجه رسیده است که بین عملکرد دانش آموزانی که دارای والدینی باسواد هستند و دانش آموزانی که والدین بی سواد دارند تفاوت معناداری وجود دارد؛ به این معنا که سواد والدین در پیشرفت تحصیلی فرزندان اثرات مثبتی دارد. کاووسی (۱۳۸۲) در تحقیقی پیرامون «تأثیر مطالعه ی والدین بر پیشرفت تحصیلی فرزندان» به این نتیجه رسیده است که میزان علایق والدین به مطالعه و توجه به علم از جمله عوامل انگیزشی مؤثر در پیشرفت تحصیلی فرزندان است؛ یعنی اگر در خانواده ای والدین به مطالعه بپردازند به مرور علاقه ی دانش آموز به مطالعه نیز افزایش می یابد و این امر باعث می



شود فرزندان در امر تحصیل پیشرفت کنند. در تحقیق انجام شده توسط آرنولد میدو و سیدنی پازنزا^۱ در سال ۲۰۰۷ مشخص شد که آموزش حل مسئله اثر چشمگیری در افزایش خلاقیت افراد تحت آموزش دارد. در تحقیق دیگری که توسط مین باسادور^۲ در سال ۲۰۰۴ انجام گردید نیز نتایج مشابهی با تحقیق فوق به دست آمد در آن تحقیق مشخص گردید افراد تحت آموزش ارتقاء قابل ملاحظه ای در خلاقیت و ایده پردازی پیدا کردند. در پژوهش دیگری که توسط پاتامایی^۳ (۲۰۰۶) روی ۱۶۰ آزمودنی صورت گرفت، مشخص شد که برنامه آموزشی در رابطه با خلاقیت به طور معناداری باعث ارتقاء خلاقیت و مؤلفه های شناختی آن در دانش آموزان شده است.

مواد و روش ها:

پژوهش حاضر توصیفی از نوع پیمایشی است. جامعه پژوهش شامل دانش آموزان دختر مقطع سوم دبیرستان شهر یزد می باشد. روش گردآوری اطلاعات از طریق پرسشنامه (روش پیمایشی) و تکمیل یافته های تحقیق به ویژه مباحث نظری با روش اسنادی (کتابخانه ای) بود. در روش پیمایشی، اطلاعاتی که قرار است از جامعه آماری و حجم نمونه گردآوری شود در قالب پرسشنامه با مقیاس های استاندارد و محقق ساخته طراحی شده و مورد سنجش و بررسی قرار خواهد گرفت. روش های اسنادی نیز یکی از مهم ترین ابزارهای تحقیق، به ویژه تحقیق موردی محسوب می شوند.

پیمایش (مطالعه مبتنی بر پرسشنامه) شیوه سیستماتیک جمع آوری داده ها از طریق مصاحبه رودررو، تلفنی و یا پرسشنامه خوداجرا است، که از طریق پست برای اعضای جامعه آماری فرستاده می شود و باز می گردد (ازکیا، ۱۳۸۵). روش پیمایشی به معنای فن خاصی برای جمع آوری اطلاعات است. با این وجود که پرسشنامه در این روش کاربرد گسترده ای دارد. پیمایش، مجموعه ای از روش های منظم و استاندارد است که برای جمع آوری اطلاعات درباره افراد، خانواده ها و یا مجموعه های بزرگتر مورد استفاده قرار می گیرد و همچنین روشی برای بدست آوردن اطلاعاتی درباره دیدگاه ها، باورها، نظرات، رفتارها یا مشخصات گروهی از اعضای یک جامعه آماری از راه انجام تحقیق است. داده های به دست آمده از طریق پرسشنامه با استفاد از نرم افزار تحلیلی- کاربردی SPSS ورژن ۲۰ مورد پردازش و تحلیل قرار گرفت. در این پژوهش نیز آماره های توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین و...) و آماره های تحلیلی از جمله آزمون های همبستگی، آزمون t با نمونه های مستقل، تحلیل کواریانس و سایر آماره های SPSS (بر حسب فرضیات مورد بررسی) استفاده شد.

^۱) Arnold Meadow and Sidney J.Parnes

^۲) Min Basadur

^۳) Ypatumai



نتایج:

جدول ۱- شاخص های توصیفی خلاقیت با توجه به متغیرهای جمعیت شناختی

متغیر	طبقات	تعداد	میانگین	انحراف معیار
درآمد	زیر ۵۰۰ هزار	1	173	.
	۵۰۱ تا ۸۰۰ هزار	5	177.8	20.266
	۸۰۱ تا ۱۲۰۰۰۰۰	17	177.06	16.675
	بیش از ۱۲۰۰۰۰۰	37	173.03	15.412
تحصیلات پدر	ابتدایی	3	172.33	15.011
	زیر دیپلم	4	172.25	15.564
	دیپلم	9	176.89	15.512
	فوق دیپلم	7	164.43	21.408
	لیسانس	18	177.22	14.739
	فوق لیسانس و بالاتر	19	175.53	15.629
تحصیلات مادر	ابتدایی	1	161	.
	زیر دیپلم	1	173	.
	دیپلم	15	171.6	16.487
	فوق دیپلم	6	165.67	19.149
	لیسانس	28	176.93	15.611
	فوق لیسانس و بالاتر	9	179.78	13.590

میانگین و انحراف معیار نمرات خلاقیت هر دو گروه در پیش آزمون به تفکیک متغیرهای سطح درآمد، سطح تحصیلات پدر و سطح تحصیلات مادر در هر طبقه از متغیر نشان داده شده است. لازم به ذکر است که در طبقاتی که فراوانی ۱ بوده است بدیهی است که انحراف معیار موضوعیت نداشته و صفر است.



جدول ۲- بررسی رابطه بین تفکر خلاق دانش آموزان و سطح درآمد خانواده

تفکر خلاق		سطح درآمد خانواده
ضریب همبستگی	-107	
سطح معناداری	417	
تعداد	60	

جهت بررسی رابطه بین سطح درآمد خانواده و میزان تفکر خلاق دانش آموزان، با توجه به ماهیت مقیاس اندازه گیری سطح درآمد خانواده که از نوع رتبه ای است؛ آزمون همبستگی اسپیرمن به عمل آمد. با توجه به سطح معناداری آزمون اسپیرمن که بیشتر از خطای مفروض در پژوهش (۰,۰۱) شده است، رابطه بین دو متغیر معنادار نیست.

جدول ۳- بررسی رابطه بین تفکر خلاق دانش آموزان و سطح تحصیلات پدر

تفکر خلاق		سطح تحصیلات پدر
ضریب همبستگی	097	
سطح معناداری	462	
تعداد	60	

جهت بررسی رابطه بین سطح تحصیلات پدر و میزان تفکر خلاق دانش آموزان، با توجه به ماهیت مقیاس اندازه گیری سطح تحصیلات پدر که از نوع رتبه ای است؛ آزمون همبستگی اسپیرمن به عمل آمد. با توجه به سطح معناداری آزمون اسپیرمن که بیشتر از خطای مفروض در پژوهش (۰,۰۱) شده است، رابطه بین دو متغیر معنادار نیست.

جدول ۴- بررسی رابطه بین تفکر خلاق دانش آموزان و سطح تحصیلات مادر

تفکر خلاق		سطح تحصیلات مادر
ضریب همبستگی	242	
سطح معناداری	062	
تعداد	60	

جهت بررسی رابطه بین سطح تحصیلات مادر و میزان تفکر خلاق دانش آموزان، با توجه به ماهیت مقیاس اندازه گیری سطح تحصیلات مادر که از نوع رتبه ای است؛ آزمون همبستگی اسپیرمن به عمل آمد. با توجه به سطح معناداری آزمون اسپیرمن که بیشتر از خطای مفروض در پژوهش (۰,۰۱) شده است، رابطه بین دو متغیر معنادار نیست.



بحث و نتیجه گیری:

با توجه به سطح معناداری آزمون اسپیرمن رابطه بین سطح درآمد خانواده و میزان تفکر خلاق دانش آموزان معنا دار نشد. در تبیین این یافته می توان مطرح نمود که، خلاقیت و تفکر خلاق بیش از هر چیز به ویژگی های شخصیتی، مهارت های فردی و شرایط محیطی بستگی دارد، و نه صرفا به درآمد و رفاه اقتصادی. شرایط محیطی خانواده ای که پرورش دهنده خلاقیت ها و استعدادها و مهارت های فرزند باشد، فارغ از سطح درآمد خانواده می تواند، بستر توسعه تفکر خلاق محسوب می گردد. محیط خانواده، و مولفه هایی چون، احترام متقابل، اعتماد بنفس و عزت نفس، روابط مبتنی بر گفتگو، توجه به ایده ها و تفکرات فرزند، ایجاد زمینه پرورش مهارتها و استعدادهای فرزندان و... بهترین محیط و بستر برای توسعه تفکر خلاق فرزندان است. این یافته پژوهش با نتایج پژوهش رضانی (۱۳۸۸) همسو می باشد. همچنین با توجه به نتایج سطح معنا داری آزمون اسپیرمن سطح تحصیلات پدر و مادر با میزات تفکر خلاق دانش آموزان رابطه معنادار نداشت. البته این تناقض یافته های پژوهش می تواند ناشی از محدود بودن نمونه پژوهش باشد، چرا که در تحقیق ما یک گروه ۶۰ نفری از دانش آموزان مورد آزمون قرار گرفتند، و برای اینکه بتوان با اطمینان بیشتری در خصوص این فرضیه نظر داد، باید تحقیق بر روی نمونه آماری بزرگتری انجام پذیرد این یافته پژوهش ما با نتایج پژوهش ذبیهون و احمدی (۱۳۸۸) همسو می باشد، اما با یافته های پژوهش مرفاوی (۱۳۸۱) همسو نیست.

منابع:

۱. ازکیا، مصطفی (۱۳۸۵). روش های کاربردی تحقیق. انتشارات کیهان. تهران.
۲. (نریمانی، محمد، آموزش خانواده، انتشارات شیخ صفی، ص ۱۰۲).
۳. بیدی، فاطمه و رنجبرزاده، اکبر (۱۳۹۱). تاثیر آموزش مهارتهای زندگی بر افزایش خلاقیت دانش آموزان. همایش دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تبریز.
۴. ذهبیون، لیلا و احمدی، غلامرضا (۱۳۸۸). تفکر خلاق و رابطه آن با موفقیت تحصیلی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان. دانش و پژوهش در علوم تربیتی برنامه ریزی درسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان). شماره بیست و یکم.
۵. مرفاوی، ابراهیم. (۱۳۸۱). بررسی رابطه عوامل آموزشگاهی و خانوادگی مؤثر در خلاقیت. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.
6. Basadur, M. (2004), Training in creative problem solving. McMaster University, USA.
7. Meadow, A., & parnes, S. (2007). Evaluation of Training in creative problem solving. USA: University of Buffalo.